

Research Article

Criticism and Pathological Analysis of Scientific Interpretations with Emphasis on General, Basic and Ultimate Strategies

Seyyed Karim Khoobbin Khoshnaz^{1*}, Kobra Hosseini²

Abstract

Investigating the misunderstandings resulting from the harms of scientific interpretations is the main issue in the present study; because its consequence in the form of interpretation by opinion is observed in the quests of some commentators who are engaged in scientific interpretation and causes deviation from the divine intention. The necessity of critiquing and analyzing pathological scientific interpretations is to achieve criteria and standards for evaluating and distinguishing scientific interpretations from non-scientific interpretations. Therefore, based on the descriptive-analytical method and the help of an intrareligious approach, the criticism and analysis of the statements of scientific commentators are addressed. Since the Quran has a nonlinear system, commentators are affected by various types of disasters in discovering the divine intention. Therefore, in order to prevent deviant interpretations, the root causes of the harmful factors are identified and multiple harmful factors are introduced through a list of harms. Data collection in the present study is done through a library method, and an attempt has been made to examine, criticize, and analyze the statements and ideas of commentators who have engaged in scientific interpretations with the help of a descriptive-analytical method and relying on an intra-religious approach. The main question in the present study is what solutions can be devised to eliminate harmful factors in the field of scientific interpretations? And what strategies will basically prevent the interpretations of scientific commentators from deviating and pave their way to achieving the divine intention and purpose? The objectives of the present study are to provide practical and applicable frameworks for distinguishing correct scientific interpretations from incorrect interpretations that only deal with thematic commonalities and inferences without parallel; Therefore, evaluation and criteria for separating the complete and incomplete interpretations are among the goals of this research. Therefore, it is necessary to examine some examples of scientific verses and identify the type of error in expressing the reasons and intentions. As a result, the scientific interpreter can, in parallel with the type of damage, choose a strategic weapon that is appropriate to protect himself

* This article is taken from the master's thesis (Kobari Hosseini) entitled "Pathology of Scientific Interpretation of the Holy Quran" which was conducted under the guidance of Dr. Khoobbin Khoshnaz at the Faculty of Quranic Sciences in Tehran.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Interpretation and Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Tehran, Iran

2. Master's degree graduate, Holy Quran University of Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences in Tehran, Iran

from the consequences of that damage. That is, he should accept the general strategy that is based on correcting his attitude towards the inherent miracle and the Quran's lack of need for accidental miracles so that he does not fall into interpretations that lack coherence due to thematic commonalities. Also, he should place the ultimate strategy that guarantees the approach to the final goals behind the network connections of verses and chapters in the path of his interpretative method so that he does not fall into scattered speech, selective approach, and adaptation. In addition to the basic strategies; Such as: negating the universality of science, separating scientific theories in terms of certainty, separating the rules governing the realms of physics and metaphysics, so that it can benefit from the subsequent sequential errors in its method, content, and consequences through the correction of its foundations.

Keywords: Types of harm, Scientific interpretation, Interpretation by opinion, Basic strategies, The order of the Quran

How to Cite: Khoobbin Khoshnaz SK, Hosseini K., Criticism and Pathological Analysis of Scientific Interpretations with Emphasis on General, Basic and Ultimate Strategies, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(63): 270-292.

نقد و تحلیل آسیب‌شناختی تفاسیر علمی با تأکید بر راهبردهای گلی، مبنایی و غایی

سیدکریم خوب بین خوش‌نظر^۱، کبری حسینی^۲

چکیده

بررسی کج‌فهمی‌های ناشی از آسیب‌های تفاسیر علمی مسأله‌ی اصلی در پژوهش حاضر است؛ زیرا پیامد آن به‌صورت تفسیر به‌رائی، در جستارهای برخی مفسرانی که به تفسیر علمی اشتغال دارند مشاهده می‌شود و موجبات انحراف از مراد الهی را فراهم می‌آورد. ضرورت نقد و تحلیل آسیب‌شناختی تفاسیر علمی، دستیابی به ملاک و معیارهایی برای ارزیابی و تفکیک تفاسیر علمی از تفاسیر غیرعلمی است. بنابراین بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و استمداد از رهیافت درون‌دینی به نقد و تحلیل اقوال مفسران علمی پرداخته می‌شود. از آنجایی که قرآن دارای نظام غیرخطی است، مفسران در کشف مراد الهی به انواعی از آفات مبتلا می‌گردند. لذا برای پیش‌گیری از تفاسیر انحرافی به ریشه‌یابی عوامل آسیب‌زا پرداخته از رهگذر فهرست آسیب‌ها عوامل متعدّد آسیب‌زا معرفی می‌گردد. گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای است و تلاش شده با استمداد از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر رهیافت درون‌دینی به بررسی، نقد و تحلیل اقوال و انگاره مفسرانی که به تفسیر علمی اشتغال ورزیده‌اند پرداخته شود. سوال اصلی در پژوهش حاضر این است که چه راه‌حلهایی را برای رفع عوامل آسیب‌زا در حیطه تفاسیر علمی می‌توان تدبیر نمود؟ و اساساً کدامین راهبردها تفسیر مفسران علمی را از انحراف باز می‌دارد و مسیر آنان را در دستیابی به مراد و مقصود الهی هموار می‌سازد؟ اهداف پژوهش حاضر ارائه چهارچوب‌های عملی و کاربردی برای تشخیص تفاسیر علمی صحیح از تفاسیر غیرصحیحی است که صرفاً به اشتراکات موضوعی و استنتاج‌های بدون قرینه می‌پردازد؛ لذا ارزیابی و معیاردهی برای تفکیک تفاسیر سره از ناسره از اهداف این تحقیق است از این‌رو لازم است با بررسی برخی از مصادیق آیات علمی و تشخیص نوع خطا در بیان مدالیل و مقاصد در نتیجه مفسر علمی می‌تواند به موازات

۱. این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد (کبری حسینی) تحت عنوان آسیب‌شناسی تفسیر علمی قرآن کریم است که با راهنمایی دکتر خوب‌بین خوش‌نظر در دانشکده علوم قرآنی تهران انجام پذیرفته است.

۲. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران، تهران، ایران
نویسنده مسئول: سیدکریم خوب بین خوش‌نظر

نوع آسیب، سلاح راهبردی متناسب برگزیده از پیامد آن آسیب محفوظ بماند. یعنی شایسته است راهبرد کلی را که مبتنی بر اصلاح نگرش وی نسبت به اعجاز ذاتی و بی‌نیازی قرآن از اعجاز عارضی است بپذیرد تا دچار تفاسیر فاقد قرینه‌ی ناشی از اشتراکات موضوعی نگردد. همچنین راهبرد غایی که ضمانت رهیافت به اهداف نهایی در پس ارتباط‌های شبکه‌ای آیات و سوره است را فراراه روش تفسیری خود قرار دهد تا به پراکنده‌گویی، برخورد گزینشی و تطبیق مبتلا نشود. بعلاوه از راهبردهای مبنایی؛ چون: نفی اطلاق علم، تفکیک تئوری‌های علمی از حیث قطعیت، جداسازی قواعد حاکم بر قلمروهای فیزیک و متافیزیک، بهره‌مند گردد تا از طریق اصلاح مبانی خود از خطاهای سلسله‌وار بعدی در روش، محتوا و پیامدهای آن مصون بماند.

واژگان کلیدی: انواع آسیب، تفسیر علمی، تفسیر به رأی، راهبردهای مبنایی، نظم قرآن

مقدمه و بیان مسئله

در یک قرن اخیر تحت تاثیر جاذبه‌های علوم تجربی، تفاسیر علمی زیادی شکل گرفته اما آنچه در این نوع تفاسیر قابل تأمل و بررسی است توجه و پرداختن به انواعی از افراط و تفریط‌هایی است که مفسران در جستارهای خود اعم از اقناعی و تحلیلی بسته به نوع رویکردشان نسبت به علم ابراز نموده‌اند. گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای است و تلاش شده با استمداد از روش توصیفی- تحلیلی و تکیه بر رهیافت درون دینی به نقد و تحلیل اقوال و انگاره مفسرانی که به تفسیر علمی اشتغال ورزیده‌اند پرداخته شود. سوال اصلی در پژوهش حاضر این است که چه راه‌حلهایی را برای رفع عوامل آسیب‌زا در حیطه تفاسیر علمی می‌توان تدبیر نمود؟ و اساساً کدامین راهبردها تفسیر مفسران علمی را از انحراف بازمی‌دارد و مسیر آنان را در دستیابی به مراد و مقصود الهی هموار می‌سازد؟ اهداف پژوهش حاضر ارائه چهارچوب‌هایی کاربردی برای تشخیص تفاسیر علمی صحیح از تفاسیر غیرصحیحی است که صرفاً به اشتراکات موضوعی و استنتاج‌های بدون قرینه می‌پردازد؛ لذا ارزیابی و معیاردهی برای تفکیک تفاسیر سره از ناسره از اهداف این تحقیق است از این‌رو لازم است با بررسی برخی از مصادیق آیات علمی و تشخیص نوع خطا در بیان مدالیل و مقاصد، راه‌حلهایی جهت مصونیت از آسیب‌ها ارائه گردد و به موازات نوع آسیب، راهبردهایی متناسب بر اساس سیاق آیات ارائه گردد؛ بدین منظور با مراجعه به پاره‌ای از تفاسیر علمی به آیاتی پرداخته می‌شود که ادعای مطابقت آیه با نظریات علمی از سوی برخی از مفسران مطرح شده است؛ در این دست آیات کوشش شده از یک سو با در نظر گرفتن قواعد تفسیر علمی و از سوی دیگر با بررسی نظریه‌های قطعی منطبق بر علم، از رهگذر پی بردن به نوع خطا، در پرتو انواع راهبردها اعم از راهبرد کلی که اصلاح توقع و انتظارات مخاطب نسبت به کتاب الهی از حیث پی‌بردن به اعجاز ذاتی و برائت از انفعال عارضی قرآن است، همچنین راهبرد مبنایی که

رعایت پیش‌فرض‌هایی بنیادین در چهارچوب معیارهای تفاسیر علمی صحیح است و نیز راهبردی غایی که جستجو از پیام‌گویی و نهایی نهفته در پس هر آیه و سوره است، شیوه‌ای صحیح و آمن در جهت دستیابی به مفاهیم و مقاصد آیات، اتخاذ و به مخاطب ارائه گردد تا از کج‌فهمی‌ها و انحرافات که دستیابی به مراد الهی را ناممکن یا دشوار ساخته است پیش‌گیری نماید.

پیشینه

برخلاف تصوّر معمول، از آن‌جا که گروهی از پیشینیان، قائل بر اشتغال قرآن بر علوم اول و آخر بوده‌اند؛ تلاش و همت برای یافتن شیوه‌های استخراج علوم مختلف از قرآن، سابقه‌ای طولانی در میان مفسران و قرآن‌پژوهان دارد. از میان پیشینیان، شناخته شده‌ترین کسی که تلاش کرد در این راه به فهمی روشمند دست یابد امام محمد غزالی است که در آثار خود از جمله در «احیاء علوم‌الدین» و نیز در «جواهرالقرآن و دُرّه»، به شدت بر این عقیده‌ی خود پای فشرده است. صاحب کتاب «فکره اعجاز القرآن» که به معرفی کوتاه آرای اندیشمندان علوم قرآنی از قرن دوم تا قرن چهاردهم پرداخته است، در موارد متعددی نظر افرادی همچون طنطاوی صاحب «تفسیر الجواهر» را بیان می‌کند که با تفصیلی افراط‌گونه وجه اعجاز قرآن را در راز گشایی از حقایق علمی برشمرده است.

در جلد نخست کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، پدیدآورندگان در روند بررسی جریان‌های مختلف تفسیری به تفسیر علمی و آسیب‌های آن اشاره نموده، مجموع آسیب‌ها را در سه گروه آسیب‌های مبنایی، روشی و محتوایی تقسیم‌بندی نموده‌اند. اما در نگاهی واقع‌بینانه باید گفت این آسیب‌ها ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند تا بدانجا که هر نوع آسیب مبنایی، آسیب‌رسانی‌های بعدی را در روش تفسیری و البته محتوای آن به‌دنبال خواهند داشت؛ لذا در تحقیق حاضر از چنین تفکیک‌هایی پرهیز شده؛ زیرا آسیب‌های روشی و محتوایی درهم‌تنیدگی و هم‌پوشانی بسیاری با آسیب مبنایی بعنوان یک آسیب زیربنایی دارند. از اینرو کوشش شده تا با پیشنهاد راه‌حلهایی کاربردی و بنیادین تحت عنوان راهبردهای مبنایی از چنین آسیب‌های سلسله‌واری پیش‌گیری نماید. در پایان‌نامه‌ی جریان‌شناسی و آسیب‌شناسی تفاسیر علمی نیز آسیب‌ها به اعتبار مبنا، روش و محتوا ذکر شده اما راه‌ایمن‌سازی از این آسیب‌ها بیان نشده است. (ر.ک: هراتی اردستانی، ۱۳۹۷: ۵۵-۶۰) در مقاله‌ی آسیب‌شناسی تفسیر علمی با محوریت تفسیر پرتوی از قرآن، ذیل عنوان آسیب مبنایی به سه آسیب مطلق‌انگاری علم، خوش‌بینی نسبت به تئوری‌های علمی و همانندنگاری نظام تکوین و تشریع اشاره شده اما بر اساسی مثال به استدلال نپرداخته و راه درمان را نیز واگذاشته و رسالت مقاله را زودن نمونه‌هایی از تطبیق و تأویل در تفسیر سید محمود طالقانی عنوان نموده است. (ر.ک: نوبری و رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۰). در

مجموع برخی مفسران علمی به تناسب فهم و تفسیری که داشته‌اند ضمن نقد و بررسی آیات مزبور انواعی از آسیب را نام برده‌اند اما به فراخور نوع هر آسیب با هدف پیش‌گیرانه و با رویکردی راهبردی به‌طور مستقل راه‌حل‌هایی کاربردی و عملیاتی به منظور مصونیت از عوامل آسیب‌زا معرفی نکرده‌اند. همچنین ضرورت تخصص داشتن مفسران علمی در مباحث علوم تجربی، در کنار امر تفسیر آنگونه که باید و شاید در تفسیر علمی به‌عنوان یکی از علوم بین‌رشته‌ای مورد عنایت جدی قرار نگرفته است.

نقش و جایگاه دو عامل افراط و تفریط در تفاسیر علمی

شماری از مفسران علمی در مواجهه با آیات هستی‌شناسانه دو رویکرد حداکثری و حداقلی را برگزیده‌اند. یک رویکرد متعلق به موافقان افراطی تفسیر علمی و دیگری نگاه تفریط‌گرانی است که مخالف این روش تفسیری موضع گرفته‌اند.

آسیب افراط در تفسیر علمی

نقطه عطف آغاز سبک افراطی برای اثبات چهره علمی قرآن از اروپا کلید خورد آنجا که برای شناخت طبیعت، روش حسی بر قیاسی پیروز شد و گمان کردند که از این پس روش قیاسی و تعقل در هیچ دانشی معتبر نیست و صرفاً فلسفه حسی و تجربی قابل اعتماد و اعتبار است؛ حاصل اثبات این برتری، شک و تردید را نسبت به گزاره‌های دین برانگیخت؛ به‌طوری که قهراً الهیات را غیر قابل تحقیق شمردند و آن را به حکم اینکه بیرون از دایره حس و تجربه است مجهول و مردود اعلام کردند و مکاتبی مانند پوزیتیویسم یکسره آن را نفی نمودند؛ این نظریه‌ی تلفیقی در میان طرفداران، به شدت تبلیغ شد و کسانی که با آن موافق نبودند را طرد و تخطئه نمودند. (مطهری، ۱۳۸۸: ۳، ۲۵) گروهی از روشنفکران معاصر معتقدند شرط جبران عقب‌ماندگی‌ها این است که علوم را هرچه بیشتر با تفسیر در بیامیزند؛ از این رو رسالت تفسیر علمی را صرفاً نشان دادن توانمندی قرآن در پاسخ به شبهات و همراهی پیروزمندانه با نیازهای عصری دانسته‌اند. (ر.ک: سروش، ۱۳۷۰: ۵۷)

برخی دیگر با به حاشیه کشاندن کاربرد اصلی آموزه‌های قرآن آن را جامع علوم بشری دانسته ریشه هر علمی و مرجع آن را در قرآن جستند. (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۳) از جمله متقدمان افراطی ابوحامد غزالی است که حتی تعداد ارقام و اعداد علوم قرآن را نیز محاسبه و استخراج کرده بود. از معاصران افراطی نیز شیخ طنطاوی بر این باور بود که اصل و مرجع تمامی علوم را قرآن در خود جای داده است و فقط با علوم جدید است که تفسیر قرآن ممکن می‌نماید. (ر.ک: اسعدی، ۱۳۹۴: ۱، ۴۵۴)

گروهی نیز گمان کردند تفسیر علمی ابزاری است که باید بر اساس آن گنجینه‌های علمی که در قرآن نهفته است را استخراج کنند. (همان، ۴۵۵) مثلاً در دایره المعارف قرآن نویسنده در مدخل تفسیر علمی می‌گوید: پیش‌بینی و تصدیق یافته‌های علوم در قرآن یک پیش‌فرض است و اشارات صریح به علوم را در بسیاری از آیات قرآن می‌توان یافت؛ از این‌رو این مجموعه را شامل یافته‌های کوپرنیکی در فضا تا جریان بارهای الکتریکی... حتی کشف عوامل تاثیرگذار در بیماری‌ها دانسته‌اند. (مک‌اولیف، ۱۳۹۳: ۲، ۱۸۸) همچنین میزان علم‌زدگی در بسیاری از مردم بگونه‌ای بود که تصور می‌کردند لازم است از ساحت قرآن محافظت کنند تا از اتهام‌های عقب ماندگی و غیرعلمی بودن مبرا گردند. (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۹)

آسیب تفریط در تفسیر علمی

در تقابل با شیفتگان علوم جدید، شماری از مفسران بر موافقان خُرده گرفتند که چرا از هدفِ اصیل قرآن غافل شده‌اند. آنان تأکید ورزیدند که قرآن کتاب علم نیست و به منظور تبیین نظریه‌های علوم و فنون بر بشر نازل نشده، بلکه کتاب هدایت و انسان‌سازی است و پرداختن به تفسیر علمی غفلت از این حقایق است. (شلتوت، ۱۴۰۸: ۱۱) برخی از آنان به‌صراحت تفسیر علمی را رد کردند و گفتند در فهم قرآن، فهم مخاطبان اولیه در عصر نزول یعنی صحابه و تابعان معیار و مبنا است و فقدان اثر و نشانی از تفسیر علمی در سخنان تفسیری آنان نشان می‌دهد که نمی‌توان مدعی وجود چنین علومی در قرآن شد. آنان مستندات قرآنی قائلان را مردود دانستند و گفتند مراد از آیه (تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ) (نحل: ۸۹) به معنای تمامی علوم گذشتگان و آیندگان در قرآن نیست؛ زیرا قرآن به منظور بیان احکام تکلیفی و تعبّدی آمده و هدف آن تبیین فرامین الهی در حوزه آخرت و مسائل جانبی آن است. همچنین تصریح داشتند که هیچ ارتباطی میان آیه‌ی (ما فرطنا فی الكتاب من شیء) (انعام: ۳۸) با علوم طبیعی وجود ندارد؛ بلکه مقصود از "کتاب" اشاره به لوح محفوظ است. (شاطبی، ۱۴۱۵: ۲، ۳۸۹ / ۳، ۳۳۹-۳۴۰) برخی از این گروه معتقدند پرداختن به جزئیات، مخاطب را از تمرکز بر هدف کلی هدایت بازمی‌دارد. (ر.ک: عژه دروزه، ۱۴۲۱: ۲، ۱۹۰-۱۹۱) از این‌رو معتقدند، مفسران علمی با پرداختن به جزئیات مطالب و تفصیل آن، کتاب قرآن را از جایگاه رفیع کتاب هدایت، به کتاب تبیین علوم و فنون و فرمول‌های مربوط به آن، تنزیل درجه داده در حق آن جفا کرده‌اند. (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲، ۴۸۵ / امین الخولی، ۱۹۶۱: ۲۹۴)

بررسی و شناخت انواع آسیب‌های تفسیر علمی

ارائه تفاسیر علمی متقن بدور از برداشت‌های فاقدِ قرینه، مستلزم شناختِ انواع آسیب‌ها است. به عبارتی نقش اصلی شناخت آسیب‌ها و دسته‌بندی‌های آن جنبه‌ای پیش‌گیرانه داشته و به مقوله‌ی "علاجِ واقعه قبل از وقوع" می‌پردازد.

مطلق‌انگاری علم

در یک برخورد و تلقی خوشبینانه نسبت به علم آسیب مطلق‌انگاری شکل گرفت، اما در پی شتاب حرکت رشدِ علوم و کوتاه شدن عمر نظریات علمی در چند قرن اخیر رفته‌رفته صحت اطلاق علم دچار تشکیک شد و منجر به تفکیک انواع علوم از حیث میزان اعتبار و قطعیت گردید. از این‌رو برخی مفسران در مواجهه با تئوری‌های علمی از اینکه آیات مربوط و همسوی آن نظریه را تأویل کنند امتناع دارند. علامه طباطبایی در تفسیر خود گرچه آیات مربوط به آفرینش انسان اولیه، را قابل تأویل می‌داند، اما از آنجایی که در اعتبار نظریه تکامل دچار تردید است از تأویل خودداری می‌کند. (ر.ک: نفیسی، ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۵) در تفاسیر علمی سید قطب (ر.ک: قطب، ۱۴۱۲: ۱، ۱۸۲) و در شیوه‌ی تفسیری علامه طباطبایی (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۷، ۳۷۳) همچنین در تبیین آیات علمی توسط جوادی آملی (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱، ۱۵۸) و نیز تعداد دیگری از مفسران تفسیر علمی، این روش محتاطانه و چنین تردیدی قابل تشخیص است. از طرفی مفسرانی هم هستند که بدون اینکه یافته‌های علمی را از هم تفکیک کنند دست به تفسیر زده تمامی نظریه‌های علمی را از حیث قطعیت یکسان فرض کرده‌اند به همین دلیل شواهدی از آیات را به عنوان دلیلی بر درستی آن یافته‌های علمی معرفی کرده‌اند. مانند آیه مربوط به مرگ ستارگان و منظومه شمسی (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۱۵) یا آیه‌ای که درباره آغاز جهان هستی بدان استناد ورزیده (... کَانَتْ اَرْضًا فَفُتِّقْنَاهُمَا...) (انبیاء: ۳۰) و پیدایش زمین و آسمان‌ها را به‌طور قطع به آن نسبت می‌دهند. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۹، ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۶ / ابو‌حجر، ۲۰۰۰: ۳۵۴)

تعمیم صلاحیت علم در تفسیر آیات

بی‌شک تجربه‌پذیری علوم در جهان مادی غیر قابل انکار است و بدون بهره از مشاهدات و ابزار حسی نمی‌توان درباره‌ی روی دادن یا ندادن این امور سخن گفت بنابراین بدیهی است که ضوابط علم تجربی نمی‌تواند برای ارزیابی این اموری که بیرون از محدوده امور حسی رخ می‌دهند، معیاری صحیح تلقی شود؛ با این حال جای تاسف است که برخی مفسران علمی حدود و گستره‌ی اصول حاکم بر ضوابط جهان مادی و حسی را رعایت ننموده؛ بلکه توانمندی توجیه قوانین علمی

را فراتر از جهان مادی تصور نموده به تعمیم اصول آن بر جهان غیر مادی دست زده‌اند از جمله‌ی این امور؛ معجزات انبیاء و کرامت‌های اهل معرفت است که هرچند در گستره نظام علّی و معلولی جای دارند اما بدون تردید فراتر از محدوده تفسیر علمی‌اند و پدیده‌ای تجربه‌پذیر محسوب نمی‌شوند تا علم بتواند آنها را بررسی کند؛ چنانکه ماهیت موجودات فرامادی مانند طوایف جنّ و ملک از دیگر مصادیق آن بشمار می‌روند. برخی از مفسران و اندیشمندان این شیوه افراطی را نقد می‌کنند؛ از جمله گلشنی گرایش شدید مفسران برای اثبات سازگاری آیات با علوم روز یا انتساب اعجاز به آیات را به چالش می‌کشد و تأکید می‌کند که رسالت مفسر علمی این است که به پیام‌های نهایی و مهمی که در آیات علمی نهفته است توجه نماید؛ نه اینکه در پی سازگار جلوه دادن آیات قرآن با علوم روز یا معجزه دانستن آیات علمی برآید. (گلشنی، ۱۳۹۰: ۱۰۳)

برخی مفسران نیز شرایط متعددی را برای پذیرش آیات علمی به عنوان اعجاز علمی برمی‌شمارند از جمله رضایی اصفهانی می‌گوید: مطابقت داشتن آیات علمی قرآن کریم با علوم، گرچه مایه شگفتی است اما شواهد و قرائن متقنی لازم است تا جنبه اعجازگونه آیات علمی اثبات گردد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۵۷: ۴۹۳) برخی دیگر مانند قرضاوی بر خلاف اینکه اعتقاد به تنگنای محدوده اعجاز علمی دارند اما مجال تفسیر علمی را گسترده می‌دانند و بسیاری از ادعاهای اعجاز علمی از سوی مفسران را نمی‌پذیرند و این شیوه را برای جلب نظر مخالفان صحیح نمی‌دانند. (قرضاوی، ۱۴۲۱: ۳۹۶) به‌عنوان نمونه سر سید احمدخان در مورد پدیده‌ی شکافتن رود نیل به‌عنوان معجزه حضرت موسی (ع)، تلاش می‌کند تا توجیهات اقلیمی و تغییرات آب و هوایی؛ مانند جزر و مد را برای عبور از این گذرگاه دریایی بیان کند؛ (هندی، بی‌تا: ۱، ۸۵-۱۱۸) چنانکه برخی دیگر میکروب را تفسیر علمی برای جن دانستند و یا نیروها و قوای موجود در طبیعت را تفسیرهایی علمی از ملائکه و شیاطین برشمردند. (همان، ۲، ۱۸۰ / ۱، ۷۹)

دمنه‌وری معتقد است که خداوند هرگز سنت‌های الهی خود را نقض نمی‌کند از این‌رو در امداد رسانی به پیامبرانش معجزات آنان را بر اساس روال معمول علّی و معلولی محقق می‌سازد؛ ذهبی این رویکرد دمنه‌وری را به منزله پذیرش این دیدگاه دانسته که انجام معجزات پیامبران به دست افراد عادی نیز امکان‌پذیر است. (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲، ۵۳۴-۵۳۵)

سر سید احمد خان هندی بر این باور است که استثناء در قوانین حاکم بر جهان هستی و سنت‌های الهی راه ندارد از این‌رو آیات خارق‌العاده قرآن می‌بایست طبق اصل عدم تخلف از وعده و قوانین الهی تطبیق و تفسیر شوند. (هندی، بی‌تا: مقدمه؛ ۳۵)

کتاب علمی انگاشتن قرآن

غالب مفسران علمی معتقدند قرآن کتاب هدایت است نه کتاب علم. با این حال برخی این ادعا را نپذیرفته بر این باورند که قرآن علاوه بر هدایت، کتاب علم نیز هست (نوفل، ۱۳۹۳: ۲۳۳ / صادقی، ۱۳۵۶: ۴۳) و توأمان شئون و ابعاد گوناگون عبادی و مادی بشر را پوشش داده است. (ر.ک: غنیم، ۱۴۱۵: ۲۴۲ به نقل از صادقی، ۱۳۵۶: ۳۰) این در حالی است که برخی مفسران علمی جهت‌گیری نهایی آیات را به فراموشی سپرده بر اساس تفصیل و تطبیق‌های خارج از ضوابط، ورودی افراط‌گونه به مباحث علمی نموده گویا دایرةالمعارفی بر اساس علوم نگارش کرده‌اند. (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲، ۵۱۷ / معرفت، ۲، ۴۷۹) قرآن بر اساس ضرورت هدایت در خلال آیات، اشارت‌هایی به اسرار آفرینش دارد. ضمن اینکه چنانچه ظواهر و معیارهای ادبی اجازه دهد معانی قرآن با اصول قطعی علوم کاملاً سازگار و قابل تطبیق می‌باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۶۷)

عدم توجه به سیاق آیات

در بیان معنای عبارات زبان‌شناسان همواره به دو سطح از معنا اشاره می‌کنند؛ یکی معنای واژگانی و دیگری مقصود گوینده است. (صدر، ۱۳۷۹: ۲۹۲) البته گاهی عبارات می‌توانند بر اساس لحن، معنای گوناگونی را منتقل کنند؛ از این‌رو تعیین اینکه مراد گوینده دقیقاً چه بوده است تنها با توجه به سیاق یا به تعبیری بافت سخن امکان‌پذیر خواهد بود. (ر.ک: صفوی، ۱۳۹۳: ۲۱۲-۲۱۳)

ابوحجر رعایت سیاق را در نظر داشتن تناسب میان آیات دانسته (ابوحجر، ۲۰۰۰: ۴۷۱) چنانکه عبدالرحمن العک تعبیری مشابه را ارائه می‌دهد. (ر.ک: عک، ۱۴۰۶: ۲۲۴) هشبول رعایت قاعده سیاق را مستلزم برقراری ارتباط و تناسب قوی میان آیات می‌داند که در قرن اخیر مفسران، اقبال جدی بدان نشان داده‌اند. (هشبول الشهري، ۲۰۰۴: ۲، ۵۲۸) غنیم تصریح دارد بر جایگاه آیه در چینشی یکپارچه و منسجم. و توجه به وحدت کلی قرآن را شرطی لازم و ضروری در رعایت سیاق می‌داند. (غنیم، ۱۴۱۵: ۲۹۰-۲۹۱)

بی‌توجهی به سیاق، بعنوان قرینه متصل از عوامل تفاسیر ناصحیح در هر سخن و از جمله قرآن است. بعنوان مثال به تفسیر آیه: (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ) (الرحمن: ۳۳) می‌توان اشاره کرد. بعضی از مفسران گفته‌اند منظور از «سلطان» در آیه اشاره به علم است؛ با این توجیه که برای صعود به فضا انسان ناگزیر است از علم بهره جوید؛ در حالیکه سیاق آیه در زمینه قیامت و توجه دادن به سلطه خداوندی است. (قرضاوی، ۱۴۲۱: ۳۸۴) همچنین در انطباق آیه مذکور (فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ

حَمَلًا خَفِيفًا) (اعراف: ۱۸۹) بر پروتون و الکترون (نوفل، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۷) باز هم به سیاق آیات که به صراحت به موضوع بارداری پرداخته التفات نشده است. (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۸۳)

از دیگر نمونه‌های بی‌توجهی به سیاق آیات که به نزدیکی زمان قیامت اشاره دارد آیه یک از سوره قمر است (کواکبی، ۲۰۰۴: ۴۵۴) که بر تفکیک ماه از زمین بعنوان منشاء تشکیل آن تعبیر شده است. (ابوحجر، ۲۰۰۰: ۱۸۵)

مثالی دیگر از ناسازگاری تفاسیر با سیاق آیاتی که به نشانه‌های قیامت پرداخته‌اند در آیه ۸۲ نمل دیده می‌شود که واژه «دابه» به ماهواره تفسیر شده است. (همان، ۴۳۸) همچنین آیه (يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ) (معارج: ۸-۹) را به روزی تفسیر کرده‌اند که در آن جنگنده‌های هوایی با جنگ‌افزارهای هسته‌ای از آسمان فرود آمده زمین را به آتش می‌کشند. (همان، ۴۳۴) در حالیکه طبق سیاق، آیات فوق تکذیب کنندگان را به کیفر عذاب الهی می‌ترساند.

پراکنده‌گویی

در حالیکه رسالت تفسیر علمی، فهم بهتر آیه بوده است، اما در عمل استفاده از مطالب علمی در مواردی مسیر تفسیر را به بیراهه برده است. پرداختن به بحث عقیم بودن و بیان اسباب آن در آیهی (يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّاتَا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الدُّكُورَ...) (شورا: ۴۹) که از سوی اسکندرانی مطرح شده بی‌ارتباط با مفهوم آیه است. (اسکندرانی، بی‌تا: ۱، ۱۷۸-۱۹۱) همچنین به میان آوردن نام انواعی از موجودات آبزی به بهانه‌ی تفسیر آیهی (لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا ..) (نحل: ۱۴) نه تنها مراد آیه را تأمین نمی‌کند بلکه از مقصود اصلی آیه به‌دور بوده صرفاً اشتراک موضوعی با آیه دارد. (همان، ۲، ۱۰۰-۱۱۰)

مصادق دیگر پراکنده‌گویی، تفاسیر منوط به چشم‌اندازهای تصویری یا همان دریافت تلویزیونی از طریق گیرنده‌های امواج صوت و تصویر است که آن را به آیه (سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ...) (فصلت: ۵۳) نسبت داده‌اند. (مروه، ۱۳۷۸: ۹۹)

غمرای از آیهی (فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) (انعام: ۳۸) اختراعات بشری مثل اقمار مصنوعی و ماهواره‌های فضایی را برداشت نموده است. (ابودیاب، ۱۴۲۰ / ۱۹۹۹: ۱۳۸) نیز کواکبی ابزار الکترونیکی و ماشین‌ها و کشتی‌های بخار را تعبیری برای آیهی (وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ) (یس: ۴۲) دانسته است. (کواکبی، ۱۹۹۵: ۴۵۵)

برخورد گزینشی با علم در جهت تفسیر آیات

در این نوع آسیب، صدر و ذیل یک نظریه علمی را نادیده می‌گیرند تا آن را با آیات قرآن منطبق سازند. مثلاً شهرستانی سیاره‌های نپتون و پلوتون را در منظومه شمسی نادیده می‌گیرد تا با تفسیر

هفت آسمان انطباق یابد. (ر.ک: شهرستانی، ۱۳۹۴: ۲۹۷) همچنین نیازمند سیاراتی که در اطراف خورشید و زمین در حرکتند را آسمان‌های هفتگانه می‌داند در حالیکه سیاره‌های تیر و ناهید را به حساب نمی‌آورد و گاهی برای مطابقت با عدد هفت، ماه را نیز بر این تعداد می‌افزاید. (نیازمند شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۹۴)

بهبودی در تفسیری مشابه که از هفت آسمان ارائه می‌دهد، خرده سیارات موجود در مدارهای استرولولژی را محاسبه و جایگزین ماه می‌کند و مراد قرآن از هفت آسمان را صرفاً منظومه شمسی بدون احتساب کره ماه در نظر می‌گیرد؛ او گمان کرده سرنوشت کره زمین صرفاً با منظومه راه شیری در تعامل است در حالیکه تقدیر منظومه شمسی با خارج از محدوده زمین و سایر کهکشان‌ها نیز مرتبط است. (همان، ۱۳۱)

همچنان که آیت‌الله مصباح یزدی در آیه ۱۰ سوره زخرف «مهد» بودن زمین را دلالتی بر حرکت نوسانی زمین نمی‌داند و صرفاً اصل حرکت داشتن زمین را مدّ نظر آیه می‌داند نه نوع حرکت آن را. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۲۵۳)

عدم دلالت لفظ یا عبارت بر معنای مورد نظر

در بروز این نوع آسیب عوامل مختلفی دخیلند از جمله اشتباه در فهم معنای واژگان؛ مانند بی‌توجهی به تطور معنایی واژه از عصر نزول تا به امروز. یا ممکن است مفسر در تحلیل آیه دچار خطا شود و یا اصولاً مصداق یا دلالت تعیین شده با ظواهر آیه مطابقت نداشته باشد. از این‌رو یکی از مهم‌ترین قیود تفسیر علمی اجتناب از تأویل بدون قرینه و عدم انصراف از معنای حقیقی به مجازی است. بر این اساس مراغی تصریح می‌کند که نباید علوم را بر اساس تکلف بر آیات تحمیل نمود. (ر.ک: ذهبی، ۱۳۹۶/۱۹۷۶: ۲، ۵۱۹) عبدالحمید در اتفاق نظر با غمراوی رعایت کردن قواعد لغت را از شروط لازم در تفسیر علمی می‌داند. (ر.ک: عبدالحمید، ۱۳۸۰: ۴۳)

عدم رعایت تطورات و گستره‌های معنایی واژگان دستاویزی برای خرده‌گیری مخالفان تفسیر علمی نظیر خولی شده است. (ر.ک: خولی، ۱۹۶۱: ۲۹۳) همچنان که برخی مفسران تحمیل نظریات علمی بر قرآن را مخالف ذوق سلیم دانسته‌اند. (شلتوت، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۴)

بعنوان نمونه تفسیر «آب» برای واژه‌ی «نطفه» ناسازگار با معانی لغوی و اصطلاحی است که آیت‌الله مشکینی در تفسیر خود آورده است. (مشکینی اردبیلی، بی‌تا: ۳۹) همچنین آیات ۱۱ سوره اعراف، ۷۱ سوره ص و ۲۸ - ۲۹ سوره حجر، ظهوری در اثبات نظریه تکامل ندارند. (همان، ۲۵-۲۶)

آیه‌ی پنجم از سوره اعلی (غثاء أحوی) به زغال سنگ بعنوان معجزه علمی تفسیر شده است؛ نوفل معتقد است این حقیقت زمین شناختی را قرآن پیش از رسیدن علم بدان، پیش‌گویی کرده

است اما بر اساس کاربرد لغت و سیاق، آیه ظهوری در این معنا ندارد. همچنین در آیات ۱۸۹ اعراف و ۹۸ انعام و ۱ نساء، نوفل «نفس» و «زوج» را بر ذره پروتون و زوجش الکترون اطلاق کرده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۶۲) در حالیکه در لغت عرب واژه‌ی «نفس» صرفاً بر جاندار اطلاق می‌شود و نه بی‌جان. (همان، ۲۶۲)

در آیات ۴۱ رعد و ۴۴ انبیاء عبارت «نقص اطراف» را بر کاهش تدریجی محور طولی زمین تفسیر کرده‌اند اما اتفاق آراء مفسران دلالت آیه را بر مرگ اهل زمین به‌ویژه دانشمندان صحیح دانسته. (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۳۸۴)

همچنین با توجه به هم‌ریشگی واژه «تسبیح» با «سبح» که در معنای «شنا کردن و شناور بودن» به‌کار می‌رود. آیه یک سوره جمعه را چنین ترجمه کرده‌اند: هر چه در آسمان و زمین است، برای خدا شناور می‌سازند (رهسپار، بی‌تا: ۲۲۶) و در همین راستا ترجمه آیه (نحن نسبح بحمدک) (بقره: ۲۹) را گفته‌اند: «ما به شنا و امی داریم به حمد تو». (همان، ۲۳۰)

نوفل، در آیه ۸۲ نحل واژه «دابه» را به معجزه‌ای تعبیر کرده است که هنوز بوقوع نپیوسته ولی می‌تواند مربوط به سفینه‌های فضایی باشد که در آینده پدیدار شده و با زبان علم با انسان سخن خواهند گفت. (ابودیاب، ۱۹۹۹/۱۴۲۰: ۱۳۲ به نقل از نوفل، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۲) در حالی که در زبان عرب واژه «دابه» به معنای موجود زنده است و با تفسیر وی سازگاری ندارد. (ابوحجر، ۲۰۰۰: ۳۲۸-۴۲۶)

مطابقت دادن نظریه‌های غیرقطعی بر قرآن

بررسی روش تفسیری مفسران علمی، نشان می‌دهد که بسیاری از این مفسران از جمله غمراوی توجه به دیدگاه‌های علمی اثبات شده را یکی از دو شرط خود در تفسیر علمی می‌دانند (ر.ک: ابودیاب، ۱۹۹۹/۱۴۲۰: ۵۴) ضمن اینکه قرضاوی و عبدالحمید بر این نکته تأکید دارند و آن‌را به دیگران نیز گوشزد می‌کنند (عبدالحمید، ۱۳۸۰: ۱۵۲) در مقدمه‌ای که مراغی بر کتاب خود می‌نگارد بر کتاب عبدالعزیز اسماعیل الاسلام و الطب الحدیث انتقاد کرده به این آسیب در تفاسیر مسلمانان اشاره می‌کند و شیفتگی نسبت به نظریات علمی غیر قطعی را عامل اصلی آسیب در تفاسیر علمی می‌داند. اما او خود نیز به همین تطبیق‌ها می‌پردازد. (قرضاوی، ۱۴۲۱: ۳۸۲) غنیم نیز از جمله کسانی است که بر آثار نوفل به دلیل بی‌توجهی به منابع علمی جدید انتقاد وارد می‌کند و همین اشکال را بر آثار شرقاوی نیز وارد می‌داند. (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲، ۶۰۳) مثلاً مفسران علمی در تفسیر آیات (..) کانتا رتقا ففتقنهما.. تلاش کرده‌اند با توجه به فرضیه‌های مختلفی مانند پیدایش زمین و مجموعه شمسی این آیات را تبیین کنند. از جمله این مفسران می‌توان به طنطاوی، مفسران المنار، شهرستانی، غمراوی و نوفل اشاره کرد. کواکی پیدایش ماه

و انشقاق آن از زمین را نظریه‌ای قابل استناد دانسته است و مانند همین مطلب را مراغی در آیه دخان (فصلت: ۱۱) بیان کرده است. (همان، ۶۰۴) نوفل و طنطاوی هم مانند بقیه به تطبیق نظریه‌های علمی درباره آغاز خلقت و سرانجام آن و پیدایش زمین و خورشید می‌پردازند، صادقی نیز به چنین مفسرانی نقد وارد می‌کند زیرا که این مفسران در تفاسیر خود از نظریه‌های غیر قطعی و ثابت نشده استفاده کرده و از تحمیل چنین نظریاتی که بر پایه علمی استوار نیستند بهره برده‌اند. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۰: ۹، ۲۱۵، ۵۸، ۵۹، ۶۵ و ۶۶)

برخی از مفسران با اینکه به ثابت نبودن یک نظریه تصریح و اذعان داشته‌اند اما در میان تفسیر خود به نوعی تلاش نموده‌اند با دلایل قرآنی آن نظریه را اثبات کنند مثلاً "نیازمند" برای اثبات وجود حیات در مریخ استدلال قرآنی می‌آورد در حالیکه استدلال او عام بوده و وجود حیات کلی در غیر زمین را بیان می‌کند ولی مکانی برای آن مشخص نمی‌نماید. این دست استدلال‌ها صرفاً در حد نظریه می‌تواند مطرح شود و نه تفسیر. از سویی مخالفان تفسیر علمی از جهات مختلف به این گونه تفسیر علمی انتقاد کرده بلکه در کل آن را رد می‌کنند. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا به هیچ طریقی تطبیق بین نظریه‌ها و آیات جایز نیست یا اینکه با لحاظ شرایطی بلامانع است؟ در پاسخ جوادی آملی معتقد است که مهم توجه به سازگاری این نظریه‌ها با ظواهر و سیاق آیات است که در این صورت می‌تواند به عنوان یک احتمال و نه تفسیری قطعی در نظر گرفته شود. به هر حال به نظر می‌رسد این نحو عملکرد از طرد یا پذیرش قطعی، منطقی‌تر و استوارتر باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱، ۱۵۸)

مخالفان تفسیر علمی نیز در این باب ابراز نگرانی کرده‌اند مانند عقاد که در الفلسفه القرآنیه نسبت به خطر تعارض دوباره‌ی علم و دین قرون وسطایی در این زمینه هشدار داده‌اند.

زیاده روی در طرح بحث اعجاز علمی

برخی از مفسران علمی در انتساب مطالب علمی به آیات قرآن کریم دچار نوعی افراط شده‌اند. گلشنی از جمله افرادی است که نسبت به این آسیب هشدار می‌دهد و مقوله تلاش بی حد و مرز برای اثبات اعجاز علمی آیات و سازگار نشان دادن آن با علم روز را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و تلاش برای کشف مفهوم و مراد خداوند در آیات را مهم و هدف اصلی از تفسیر می‌داند. (ابوحجر، ۲۰۰۰: ۳۲۰-۳۰۲)

قرضاوی به آیه ۲۵ سورة حدید «و انزلنا الحديد» اشاره می‌کند و می‌گوید با توجه به کاربرد واژه انزل در قرآن، نزول حدید از آسمان مراد جدی نیست. او صرفاً موارد روشن و قطعی را در محدوده اعجاز علمی، قابل پذیرش به شمار می‌آورد. (قرضاوی، ۱۴۲۱: ۳۹۶) وی در همین راستا به دکتر

عبدالحافظ به‌عنوان یک دانشمند مطلع در علوم تجربی اشاره کرده در یک هم‌نظری با وی در ارتباط با آیه ۲ سوره رعد می‌گوید آیه «بغیر عمد ترونها» به قانون جاذبه عمومی اشاره‌ای ندارد. نوفل معتقد است سوره ناس با توجه به علم طب و اسرار و رموز آن تفسیر شده است. و سفارش قرآن به پناه بردن به خدا از شر وسوسه‌های شیطان فقط بخاطر اضطرابی است که این وسوسه‌ها بر روح انسان وارد می‌کند و در نهایت منجر به بروز عوارضی در جسم وی می‌گردد. به همین دلیل آن را معجزه علمی به حساب می‌آورد. او چنین نظری را درباره نزول حدید هم دارد؛ نامگذاری سوره‌ای در قرآن به این نام و آیه (وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ...) را نشانه اهتمام زیاد به حدید و امتیاز آن نسبت به عناصر مشابهش می‌داند؛ که علم پس از هجده قرن به آن رسیده است. (همان، ۹۲-۹۳) البته همچنین است نظر دیگری از این دست ادعاها درباره آیه اعتدال (...كُلُّوا وَاشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا...) (اعراف: ۳۱) که دلالت بر اعجاز طبی قرآن در سفارش به اعتدال دارد. (جمیلی، ۱۹۹۰: ۳۱۴)

همچنین نوفل در سوره انعام در مورد آیه (جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا ...) (انعام: ۹۸) و آیه دیگر در همین سوره (بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ) (انعام: ۷) که اشاره به هدایت، توسط ستارگان دارد آن را امری شگفت‌انگیز و دلیلی بر اعجاز آیه می‌داند.

نقد و تحلیل آسیب‌شناختی تفاسیر علمی

برای دست‌یابی به مراد الهی و مصون ماندن از انواع آسیب‌های تفاسیر علمی راهبردهای چندگانه‌ای در نقد و تحلیل آنها مورد توجه قرار می‌گیرد.

راهبرد کلی اصلاح بینش

ضرورت ایجاب می‌کند که مفسر نگرش و انتظارات خود نسبت به کتاب الهی را اصلاح نماید و بپذیرد که قرار نیست تمام اکتشافات بشر در طول قرن‌ها در قرآن جستجو شود و برای اثبات حقانیت قرآن کریم به‌عنوان کلام الهی نیازی نیست این کتاب بعنوان اثری علمی معرفی گردد. مستند این موضوع در خود کتاب الهی وجود دارد که در هیچ جایی از آن ادعایی مبنی بر علمی بودن آن نشده است. بلکه قرآن قائم به ذات است و برای اثبات جنبه‌های اعجازگونه خود به عاملی از بیرون نیاز ندارد و از ویژگی‌های اعجاز قرآن ذاتی و درونی بودن آن است؛ از این‌رو آیات قرآن به تنهایی گواه اعجاز آن است. (ر.ک: معرفت، ۱۳۹۵: ۳۰۷) در همین راستا خداوند در آیه ۹ از سوره حجر می‌فرماید: «ما قرآن را نازل کردیم و خودمان نیز محافظتش می‌کنیم.» و از همه مهمتر بر اساس سلسله آیاتی، قرآن به صراحت به امر تحدی پرداخته و از ساحت اعجازگونه خود دفاع نموده است. بنابراین نیازی به دست و پا زدن اضافی از سوی بندگان نیست تا منفعلانه بر اساس

افراط و تفریط، اعجازی عارضی را بر اساسی زور و تکلف از بیرون بر قرآن تحمیل نمایند؛ بلکه طی پیشرفت علوم بشری در طول قرن‌ها خود به خود اعجاز قرآن قابل اثبات است بنابراین لازم است انسان به عنوان مخاطب قرآن بر این بینش دست یابد که اعجاز قرآن امری ذاتی و درونی است و نه بیرونی یا عارضی و انفعالی. متأسفانه برخی از مفسران این دیدگاه اشتباه را ترویج داده‌اند که اگر پیشرفت‌های علمی را که ظاهراً از جانب غیرمسلمانان آشکار شده مصادیقش را در قرآن نیابند، گمان می‌کنند این مسأله نشان از کسر شأن و مرتبت و به‌نوعی عقب‌افتادگی این کتاب آسمانی دارد. خداوند متعال در قرآن کریم همواره بر جایگاه اندیشیدن و تفکر تأکید ورزیده و آن‌را نوعی عبادت بلکه برتر از آن دانسته است. فلذا اگر قرار بود پاسخ تمام مشکلات و احتیاجات بشر به‌صراحت در این کتاب بیان شود، دیگر نیازی به تفکر و اندیشیدن نبود. بنابراین ناآگاهی بشر نسبت به اعجاز ذاتی قرآن، خللی در واقعیت اعجاز قرآن وارد نمی‌کند بلکه در خلال آیات اشارت‌هایی متقن و گذرا به حقایق علمی شده است اما راه دست‌یابی به این رازهای آفرینش نه با تفاسیر به‌رأی و موسع بلکه با تدبر و تعمق در آیات، ممکن و میسر است. و این گمان که استخراج کشفیات و اختراعات علوم روز، بر شأن و جایگاه قرآن می‌افزاید، برداشتی سُست و باطل است.

راهبردهای مبنایی

متناسب با هر نوع از عوامل آسیب‌زا، راهبردهایی در نقد و تحلیل آن عوامل پیشنهاد می‌شود که در صورت التزام مفسر بدان، مانع از خطا و انحراف وی در فهم مراد و مقصود آیات می‌گردد؛ لذا لازم است مفسر با برگزیدن پیش‌فرض‌های صحیح، خود را از دام آسیب‌های مبنایی محفوظ بدارد.

تفکیک تئوری‌های علمی از حیث قطعیت

یکی از نقدهای اساسی بر تفاسیر علمی، خوش‌باوری برخی مفسران نسبت به علوم تجربی است؛ در تحلیل نمونه‌هایی از این قبیل تفاسیر بیان شد که چگونه برخی مفسران بی‌محبا آیات را بر علوم زمان خود تطبیق داده‌اند؛ در صورتیکه مفسر ذی‌صلاح در برخورد با دنیای علم و فرضیه‌های نوظهور آن دست‌پاچه نمی‌شود و با نگاهی خوشبینانه نسبت به فرضیه‌های علمی به تفسیر روی نمی‌آورد. وی در مقام مفسری آگاه به حیطه‌ی علمی که در آن تخصص ندارد ورود نمی‌کند یا دست‌کم بدون مطالعه و تحقیق کافی دست به تفسیر نمی‌زند؛ بلکه جایگاه و تفاوت نظریه‌های علمی قطعی را از فرضیه‌های غیر قطعی بازمی‌شناسد و می‌داند که یک فرضیه یا نظریه به صرف علمی بودن صلاحیت ندارد به‌عنوان مبنای تفسیری قرار گیرد، گرچه جاذبه‌ی دنیای علم و شگفتی‌های آن و ارتباط برخی آیات علمی با این جاذبه‌ها غیر قابل انکار است اما صرف

ارتباط‌هایی اثبات نشده سند قابل قبولی برای استنادورزی نیست. بنابراین چنانچه هدف، تفسیر آیه باشد و نه صرفاً بیان ارتباط‌ها، مفسر نباید صلاحیت کاربرد علوم در پاسخ‌گویی به برخی مشکلات و نیازهای بشر امروز را دستاویزی قرار دهد و آن را امری مطلق انگاشته به امر خطیر تفسیر آیات قرآن تعمیم بدهد؛ بلکه لازم است از راهکار مبنایی مطلق ندانستن علم و تفکیک نمودن نظریه‌های قطعی علمی از تئوری‌های غیر قطعی، مدد جسته در مسیر تفسیر خود پیوسته بدان مقید بماند و عمداً یا سهواً آیات علمی را با نظریه‌های اثبات نشده در حیطه علوم مختلف منطبق نسازد؛ زیرا بسیاری از نظریه‌های علوم تجربی متزلزل و بی‌ثباتند و در بستر زمان دستخوش تغییر و تبدیل می‌گردند و شایسته نیست قرآن را که تغییرناپذیر و ثابت است بر فرضیه‌هایی دگرگون شونده تطبیق داد. بنابراین منبع علوم قطعی و یقینی تنها ابزار تفسیری دارای حجیت است. به‌عنوان مثال مسئله زوجیت در میان گیاهان که پس از قرن هفدهم میلادی کشف شد یا حرکت اولیه و چرخشی زمین و نیروی گرانش، در حال حاضر در حد صرفاً یک فرضیه نیستند؛ بلکه در شمار قوانین قطعی اثبات شده قرار دارند لذا استناد به این دست از نظریات علمی مانعی ندارد. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱، ۱۱/۱۳۱، ۱۲/۴۱۰، ۲۷۵)

آیت الله معرفت نیز تاکید می‌کند آنچه قطعی و مسلم است قرآن است، اما علوم در بسیاری موارد غیر قطعی‌اند. بنابراین باید علوم بر قرآن عرضه و تطبیق شوند، نه برعکس. چرا که ممکن است گاهی مفسر از آیه مطالبی جدید دریافت کند، اما نمی‌توان با اطمینان مقصود اصلی و هدف قطعی آیه را در راستای همین مطالب جدید منطبق با علم روز دانست. (معرفت، ۱۳۹۰: ۳۴۵) سید قطب نیز در همین باب می‌گوید از آنجایی که مباحث علمی، حاصلِ آزمون و خطای یافته‌های بشری‌اند، پیوسته در معرض تغییرند و مطلق نیستند، پس جایز نیست آن‌ها را به قرآن که حاوی حقایق نهایی و مطلق است نسبت داد. (ر.ک: قطب، ۱۴۱۲: ۱، ۲۶۰)

تمیز کتاب تکوین از تشریع

در تحلیل قوانین حاکم بر جهان هستی درمی‌یابیم که خداوند دو دسته قوانین را وضع نموده؛ قوانین تکوینی که عموم موجودات در برابر آن تسلیمند و هرگونه نافرمانی از سوی آنان منجر به نابودی‌شان می‌شود. دسته دوم قوانین تشریعی در تعالیم انبیاء است که موجود مکلف در فرمان‌برداری یا عصیان مخیر است گرچه سرپیچی از این قوانین نیز موجبات عدم کمال و تباهی موجود مکلف را فراهم می‌آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۱۶، ۴۴۱) مثلاً نیروی جاذبه در نظام طبیعت امری تکوینی است و قانون حاکم بر آن نیز در محدوده‌ی تمکین محض است از این‌رو هرگز اشیاء و انسان‌ها بالاتر از سطح زمین معلق نمی‌گردند و تا زمانیکه در قید گرانش کروی زمین باشند این نیرو به میزان جرم اجسامشان بر آن‌ها اعمال می‌گردد؛ و بر اساس قانون تمکین محض

که حاکم بر نظام تکوین است در هیچ کجا از محدوده‌ی جوّ زمین هیچ تخلّفی از این قانون گزارش نشده است. اما قوانین وضع شده در روابط انسانی اعم از قراردادی و تکلیفی در نظام تشریع جای دارد؛ از این‌رو تخلّفات از قبیل عبور از چراغ قرمز، یا عمل نکردن به وظایف تعبدی از ناحیه‌ی انسان گزارش می‌شود. بنابراین اصول و قوانین حاکم بر جمادات، در جهان سراسر مادی مثل پیوندهای مولکولی و اتمی در سطح ذرات، با قواعد سازگار و ناظر بر روابط عاطفی و اجتماعی در انسان، به‌عنوان موجودی ترکیب‌یافته از جسم و روح، یکسان نیست.

نقد اساسی متوجّه مفسرانی است که تصوّر نموده‌اند قواعد حاکم بر عالم تکوین و تشریع نسخه‌ای واحد بوده؛ ضوابط و اصولی یکسان می‌طلبند. (ر.ک: طنطاوی، بی‌تا: ۱، ۱۱۰-۱۱۲ / ۲، ۵۴-۵۵ / ۱۷، ۳۴-۳۵) سرچشمه این دست از آسیب‌های مبنایی، ناشی از خلط قوانین حاکم بر نظام تکوین، در حوزه‌ی تمکین کائنات در سطح ذراتی بی‌اراده است که در قیاس با نظام تشریع، در حوزه‌ی وضع قوانین تخلف‌پذیر در سطح موجود دارای شعور و اختیار مثل انسان قرار گرفته است. بنابراین لازم است مفسر با مقید بودن نسبت به راهبرد تمییز دادن کتاب تشریع از کتاب تکوین، خود را از این آسیب برحذر بدارد. به نقد مثال‌هایی از این دست استنتاج‌های فاقد قرینه در بخش آسیب‌ها اشاره شد. از جمله نمونه‌ای از آن در تفسیر آیه‌ی خلقت آدم و حوا دیده می‌شود. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا... (اعراف: ۱۸۹) در این آیه و آیات مشابه ملاحظه می‌گردد که مفسر، بدون در نظر گرفتن معیارهای مبنایی دست به تفسیر می‌زند و حتی معنای صحیح واژگانی را در نظر نمی‌گیرد و می‌گوید منظور از واژه "نفس" اشاره به ذره "پروتون" در اتم است. سپس واژه "زوج" را به معنای ذره دیگر موجود در اتم که "الکترون" است تفسیر می‌کند؛ و می‌گوید مراد الهی این است که شما گروه بشر را از اجزای مثبت و منفی موجود در اتم که همان پروتون و الکترون است آفریدیم! (نوفل، ۱۹۷۳: ۱۵۶) از آنجایی که در تفسیر، به مبنای صحیح توجه نشده و قانون متناسب با هر نظام رعایت نشده؛ ناگزیر اصول ناظر بر نظام ذرات ریز اتمی را با نظام روابط بشری و پیوندهای عاطفی در انسان یکسان دانسته است؛ ارتکاب چنین خطایی در گزینش مبنا، منجر به خطا در روش، محتوا و هدف نهایی نیز خواهد شد؛ و مراد آیه برآورده نخواهد شد؛ از این‌رو به‌نظر می‌رسد تفکیک آسیب‌ها به اعتبار مبنا، روش و غایت به این معنا نیست که چنانچه تفسیری در انتخاب مبنا دچار لغزش شد، مطمئناً از آسیب روشی مصون خواهد ماند؛ خیر! این نوع خطا از انواعی است که در وصفش می‌توان گفت: بسان خستِ اولی است که معمار کج نهاده باشد. بنابراین به‌نظر نگارنده این تقسیم و تفکیک‌ها به اعتبار مبنا و محتوا، بیشتر به‌منظور اهمیت دادن و توجه کردن به انواع خطا است. تا مفسر، مترصد باشد که به دام آن خطا و آفت گرفتار نشود؛ در واقع اهمیت آن از حیث آموختن و تفکیک انواع خطاها است

با هدفِ مصون ماندن از آن. وگرنه در واقعیتِ امر، هر خطایِ مبناییِ سایرِ آفات و آسیب‌ها را به دنبال خواهد داشت. مانندِ تفسیرِ "نفس" به "پروتون" که ضمنِ خطا در انتخابِ مبنا، مصداقِ خطا در روش و محتوا و ناگزیرِ تحمیل و تطبیق، و تفسیر به‌رأی نیز محسوب می‌گردد.

جداسازی امور مجرد از غیرمجرد

در مجموع احتمال خطا و خلطِ مباحث، در تفسیر علمی بیش از سایر روش‌های تفسیری به چشم می‌خورد. در این باب خیلی بیراه نیست اگر تفسیر علمی، همچون علوم میان‌رشته‌ای در نظر گرفته شود؛ زیرا در این روشِ تفسیری، لازم است مفسرِ توانمند خود را به مهارت و تخصص، هم در حوزه‌ی تفسیر و هم در محدوده‌ی علوم تجربی مجهز کند چراکه فرجامِ عدمِ تخصص و مهارتِ وی در هر یک از این حوزه‌ها شکل‌گیریِ تفاسیری غیرمتمن و ناستوار در هر دو حوزه را به دنبال خواهد داشت که عواقبِ نافرجامِ آن متوجه افراد زیادی خواهد شد. هم‌چنانکه ورود افراد غیر متخصص سبب شده تا برخی ناآگاهان، اشتباهاتِ فاحشی مانند "احضار روح" را علم تلقی کنند در این موارد لازم است نقدهای اساسی متوجه این افراد شود که بدون علم و آگاهی دست به تفسیرهای مادی از امور مجرد زده‌اند. (یوسف المروه، ۱۳۷۸: ۱، ۳۷) گرچه چنین تفاسیری ریشه در نقص‌های اساسی در تفکراتِ اعتقادی آنان دارد، اما از آنجا که عواقبِ تفسیرِ ناصحیح آنان دامنگیر مخاطبان بسیاری خواهد شد، لازم است راه حل و درمانی اساسی برای آن معرفی گردد؛ با اندکی تأمل می‌توان دریافت در این قبیل تفاسیر، مبنای و قواعد حاکم بر امور محسوس در قلمروهای ملموس فیزیکی را، بر ضوابط و قوانینِ ناظر بر امور نامحسوس در قلمروهای متافیزیکی، تطبیق داده‌اند. پذیرش این گونه تفاسیر، مستلزم انکار پدیده‌های نامحسوس و قبولِ تطبیق‌های بی‌دلیل است؛ چرا که تبیین‌های مادی توان توضیح اصول حاکم بر ساحت‌های فرامادی را ندارند؛ در نتیجه شاهد انکار جهان ماورایی، اخبار غیبی و موجودات نامحسوس در این دست از تفاسیر می‌توان بود. مانند انکار اثر دعا، کرامات اولیاء و اعجاز پیامبران. مثلاً آنچه که در معجزه‌ی حضرت موسی و شکافتن رود نیل گفته شد که هنگام عبور دادنِ بنی اسرائیل دریای احمر کم‌عمق و در حالتِ جزر بود، اما هنگام عبور فرعون و سپاهیان‌ش دریا در حالتِ پُر آب و مدّ قرار گرفت و در نتیجه فرعون و ارباب‌هایش همگی غرق شدند. یا مثالِ دیگر در این باب تطبیق جن به میکروب و ملائکه به ابر و باد است. (هندی، به نقل از طالقانی، ۱۳۴۸: ۱، ۱۵۵) راه حلِ درنیفتادن در ورطه‌ی چنین توجیهاتِ نادرستی که در مواردی، انکارِ معجزاتِ مطرح شده در قرآن را به دنبال دارد، تعمیم ندادنِ مبنایِ ناظر بر ساحت‌های مادی در مقایسه با ساحت‌های ماورائی و فراماده است. از این رو لازم است مفسر در مسیرِ تفسیرِ خود نسبت به راهبردِ تفکیکِ قوانینِ ناظر بر جهان فیزیک در

قیاس با عوالم متافیزیک آشنا و نسبت به عدم تداخل و تسری ضوابط و موازین صحیح حاکم بر این عوالم پای‌بند باشد. تا خود را از فرجام و پیامد اینگونه خطاهای مبنایی ایمن سازد.

راهبرد غایی

هسته‌ی مرکزی تضمین مصونیت از هر نوع آفت و آسیب، توجه و تمرکز بی‌وقفه بر هدف اصیل و غایی کتاب الله است. مسلماً خداوند حکیم، زیربنای تأمین هدف کلی هدایت را در هر سوره و هر آیه پی‌ریزی و دنبال نموده است. از این‌رو ریشه‌ی اصلی در ایجاد انواع آسیب‌های تفسیری در تمامی روش‌ها اعم از روش‌های علمی، اجتهادی، عرفانی و غیره در نظر نگرفتن هدف متعالی آیات و سوره‌ها است. چنانکه مفسران اندیشمند بر داشتن غرض اصلی در هر آیه و حتی هر سوره تأکید ورزیده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ۶۱-۱۱۹) و پیرو کشف غرض آیات و سوره در دهه‌های اخیر تفسیرهای ساختاری و هندسی شکل گرفته است. نخستین بار این رویکرد در پاسخ به شبهه‌ی بی‌نظمی و پراکنده‌گویی قرآن که از سوی خاورشناسان قرآن‌پژوه مطرح شده بود شکل گرفت. (گلدزیهر، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۰) بر اساس نظریه‌ی آشوب در جهان هستی دو نوع نظم بر سامانه‌ها حاکم است؛ سامانه‌های ساده از نظم خطی پیروی می‌کنند اما سامانه‌های پیچیده دارای نظامی غیر خطی‌اند. در پی کشف نظریه‌ی لورنز آمریکایی و ویژگی نظم در بی‌نظمی (ادوارد لورنز، ۱۹۶۰م، نظریه آشوب) در یافته‌های حاصل از تحقیق و بررسی‌های قرآن‌پژوهان، نظام حاکم بر قرآن از نوع غیرخطی شناخته شد؛ یعنی آیاتی که در مقیاس نزدیک بی‌ارتباط می‌نمایند و در نگاه نخست سخن از موضوعات پراکنده دارند، در نگاهی ارتقاء یافته، دارای موضوعی واحد و انسجامی یکپارچه هستند. مانند سوره‌ی یاسین که هر پنج رکوع آن حول محور رسالت، توحید و معاد است. (زردینی زارع، ۱۳۹۵: ۱۳) توجه به انسجام واحد و جستجو از هدف اصلی در هر سوره و یافتن ارتباط میان آیات و سوره‌ها یکی از رسالت‌های مهم تفسیر است و تفسیر علمی از این امر خطیر مستثنی نیست. کمترین فایده‌ی کشف شبکه‌های ارتباطی میان آیات و سوره که بسان نخ تسبیحی یک کل به هم پیوسته‌ی منسجم و یکپارچه را تشکیل داده است، مصونیت در مقابل عوامل آسیب‌زا و آفت‌آفرین است.

نتیجه‌گیری

با بررسی انواع آسیب‌های تفسیر علمی و نقد و تحلیل عوامل آسیب‌زا؛ همچنین ارائه‌ی راهبردهای چندگانه و تحلیل آنها از رهگذر شاهد مثال‌های متعدد می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

● در مجموع ریشه‌ی عوامل آسیب‌زا در دو قطب مخالف و متقابل رُخ می‌نماید که یکی علم‌زدگی افراطیون خوش‌باوری است که در برابر علوم تجربی دچار انفعال شده بی‌محابا به تطبیق و تأویل

آیات روی آورده‌اند. و دیگری علم‌گزیزیِ تفریط‌گرانی است که یکسره آیات علمی را انکار نمودند. آسیب‌پراکنده‌گویی، بی‌توجهی به سیاق، برخورد گزینشی، اشتراکات موضوعی، عدم دلالت و... شواهدی‌ست بر ادعای آسیب‌رسانی از سوی شیفتگان علم. و واگذاشتن آیات هستی‌شناسانه نیز قرینه‌ای‌ست بر اثبات آسیب‌رسانی علم‌گريزانِ مخالفِ تفسیر علمی.

● چنانچه تفسیر نهایی هدایت را تفسیر غایی در نظر بگیریم؛ تفسیر علمی در خدمت آن بوده رسالتش هموارسازی مسیر برای دستیابی به معرفت الهی است. در واقع اهداف علمی در حکم هدف‌هایی فرعی و میانی تلقی می‌شوند که پیوسته در سیمت خدمت‌رسانی به هدف غایی و متعالی نقش‌آفرینی می‌کنند؛ بنابراین آن دسته از تفاسیر علمی که در پی اثبات چهره‌ی علمی برای قرآن برآمده این اهداف علمی را هدف نهایی پنداشته‌اند در دست‌یابی به هدف معرفتی و هدایتی قرآن اِهمال و رزیده دچار غفلت شده‌اند.

● بر اساس نظام غیرخطی قرآن و ارتباط شبکه‌ای آیات با یکدیگر هر نوع آسیب‌مبنایی می‌تواند آسیب‌های روشی، محتوایی و غایی را بگونه‌ای سلسله‌وار در پی داشته باشد لذا ضرورت ایجاب می‌کند که مفسر ذی‌صلاح خود را به سلاح راهبردهای مبنایی تجهیز نماید تا از دیگر انواع آسیب‌ها مصون بماند.

● برآورد نتایج آسیب‌ها و انحرافات ناشی از آن، امکان ارزشیابی تفاسیر صحیح علمی را فراهم می‌آورد؛ به عبارتی یکی از کارکردهای مهم آسیب‌شناختی، معیاردهی برای تشخیص تفاسیر سره از ناسره است.

منابع

قرآن کریم، ترجمه شیخ حسین انصاریان

منابع فارسی

- اسعدی و همکاران، محمد، (۱۳۹۴ش)، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ش)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی تهرانی، محمد حسین، (۱۴۲۷ق)، نور ملکوت قرآن، مشهد: نور ملکوت قرآن.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۷۵ش)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم: انتشارات اسوه.
- (۱۳۷۶ش)، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم: انتشارات اسوه.
- رفیعی محمدی، ناصر، (۱۳۸۶ش)، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، تهران: انتشارات فرهنگ گستر.
- رهسپار، احمد، بی‌تا، بازنگری اساسی به اسلام، تهران: کانون انتشارات شریف.
- زردینی زارع، احمد، (۱۳۹۵ش)، بررسی نظم در سوره‌های قرآن.
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۶ش)، تفرج صنع، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۹۴ش)، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۹۰ش)، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری.

صفوی، کوروش، (۱۳۹۳ش)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۸ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۹ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طنطاوی جوهری، (۱۹۳۳م)، الجواهر فی تفسیر القرآن، به نقل از کمالی، سید علی، شناخت قرآن اسکندریه: دارالصدیق.

عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۳ش)، مبانی روش‌های تفسیری، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

گلدرزیه، ایگناس، (۱۳۸۰ش)، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، تهران: ققنوس.

گلشنی، مهدی، (۱۳۷۵ش)، قرآن و طبیعت، تهران: مطهر.

لورنز، ادوارد، (متوفای ۱۹۶۰م)، نظریه آشوب و نظم در بی‌نظمی.

مشکینی اردبیلی، علی، بی‌تا، تکامل در قرآن، ترجمه حسینی‌نژاد تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸ش)، علل گرایش به مادی‌گری، تهران- قم: انتشارات صدرا.

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۸ش)، معارف قرآن، قم: مؤسس در راه حق.

معرفت، محمدهادی و خیاط و نصیری، (۱۳۹۶ش)، تفسیر و مفسران، تهران: نشر تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

.....، (۱۹۶۸م) تفسیر القرآن الکریم، قاهره: دار الکتب العربی.

مک اولیف، جین دمن، (۱۳۹۳ش)، دایرةالمعارف قرآن، ترجمه: حسین خندق آبادی، تهران: انتشارات حکمت.

موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۸ق)، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه هاشم هاشم‌زاده هریسی، تهران: دارالقلین.

نفیسی، شادی، (۱۳۸۹ش)، جریان تفسیر علمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

.....، (۱۳۷۹ش)، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

نیازمند شیرازی، یدالله، (۱۳۳۵ش)، اعجاز قرآن از نظر امروزی، تهران: شرکت چاپ میهن.

منابع عربی

ابوحجر، احمد عمر، (۲۰۰۰م)، تفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابوذیاب، خلیل ابراهیم، (۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م)، ظاهرة التفسیر للقرآن الکریم، کتابخانه دیجیتال: دارعمار.

اسکندران، محمد بن احمد، بی‌تا، کشف الاسرار النورانیة القرآنیة، قاهره: رکابی للنشر.

جمیلی، سید، (۱۹۹۰م)، الاعجاز الطبی فی القرآن، بیروت: دار و مکتبة الهلال.

خولی، امین، (۱۹۶۱م)، مناهج تجدد فی النحو و البلاغة، بی‌جا: دار المعرفة.

ذهبی، محمد حسین (۱۹۷۶م)، التفسیر والمفسرون، قم: دارالکتب الحدیث.

شاطبی، ابی اسحاق ابراهیم بن موسی، (۱۴۱۵ق)، الموافقات فی اصول الشریعة، بیروت: دارالمعرفة.

شلتوت، شیخ محمود، (۱۴۰۸ق)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: بی‌نا.

شهرستانی، سید هبة الدین، (۱۳۸۹ق)، اسلام و هیئت، تهران: موسسه انتشارات بعثت.

صدر، سید محمد باقر، (۱۳۷۹ش)، المدرسة القرآنیة، قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر.

طنطاوی، جوهری، بی‌تا، الجواهر فی تفسیر القرآن، دمشق: دارالفکر.

عبد الحمید، محسن، (۱۳۸۰ش)، الرازی مفسراً، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
عباس محمود، العقاد، بی‌تا، الفلسفه القرآنیة، مصر: دارنهضه مصر لطبع و النشر.
عک، خالد عبدالرحمن، (۱۴۰۶ق)، اصول التفسیر و قواعد، بیروت: دارالتفاضل.
قطب، سید، (۱۴۱۲ق)، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشرق، قاهره.
عزّه دروزه، محمد، (۱۴۲۱ق)، التفسیر الحديث، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
غزالی، ابوحامد، (۱۴۰۲ق)، احیاء العلوم، بیروت: دارالمعرفت.
غزالی، ابوحامد، بی‌تا، جواهرالقرآن فی درره، بیروت: المركز العربی للكتاب.
غنیم، کارم السید، (۱۴۱۵ق)، الاشارات العلمیة فی القرآن الکریم بین الدراسه والتطبیق، قاهره: دارالفکر العربی.
قرضاوی، یوسف، (۱۴۲۱ق)، کیف نتعامل مع القرآن العظیم، قاهره: دارالشرق.
کواکبی، عبدالرحمن، (۱۹۹۵م)، الاعمال الکامله، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
مروه، یوسف، (۱۳۷۸ق)، العلوم الطبیعه فی القرآن، بیروت: دارالمکتبه الهلال.
معرفت، محمد هادی، (۱۳۹۰ش)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: آستان قدس رضوی.
موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۸ق)، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء.
نوفل، عبدالرزاق، (۱۹۷۳م/۱۳۹۳ق)، القرآن والعلم الحديث، بیروت: دارالكتاب العربیة.
هشبول الشهري، (۲۰۰۴م)، الجهود المبذولة فی تفسیر القرآن الکریم، الامارات العربیة المتحدہ: النشر العلمی
جامعه الشارقة.
هندی، سر سید احمد خان، بی‌تا، تفسیرالقرآن و هوالمهدی و الفرقان، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی،
تهران: شرکت تضامنی.

مقاله

نوبری، علیرضا؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۰ش)، آسیب‌شناسی تفسیر علمی با محوریت تفسیر پرتوی از
قرآن، مطالعات تفسیری، (۸)، ۶۹-۷۰.

پایان‌نامه

هراتی اردستانی، ندا، (۱۳۹۷ش)، جریان شناسی و آسیب شناسی تفاسیر علمی قرآن کریم، مقطع ارشد، رشته
تفسیر قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: خوب بین خوش‌نظر سیدکریم، حسینی کبری، نقد و تحلیل آسیب‌شناختی تفاسیر علمی با تأکید بر
راهبردهای گلی، مبنایی و غایی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۳، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۲۹۲-
۲۷۰.